

# مایکل فارادی و حازم فریپور

اسفندیار معتمدی  
کارشناس و مروج علم

## چکیده

در سال ۱۳۵۶ که در سازمان کتابهای درسی ایران بودم در کتابخانه آنجا به کتابی برخوردیم که برایم بسیار جالب و برانگیزاننده بود. عنوان کتاب «مایکل فارادی» و موضوع آن شرح زندگی و فعالیت های علمی و عملی و آثار او برای مردم سرزمینش انگلستان و در کل جهان بود. خواندن آن کتاب کششی در من بوجود آورد که حیفم آمد دیگران را در این لذت سهیم نکنم. از این رو به ترجمه آن دست زدم و آن را به پایان بردم و برای چاپ و نشر، آن را به انتشارات امیرکبیر سپردم که در اثر تحولات بعدی نه دیگر خبری از کتاب یافتیم و نه از ترجمه آن. اما هیچ گاه فعالیت، پشتکار، سازگاری و امیدواری این پسر نعلبند انگلیسی از خاطرم دور نشد. پرسشگری، مشاهده گری و بالاتر از همه آزمایشگری و گزارش نویسی او برایم بسیار جالب بود.

نیروی مغناطیسی و نور را پایه گذاری کند. چیزی که از کتاب فارادی بیش از همه برایم جالب و آموزنده بود دو تصویر در دو صفحه از کتاب بود که روبروی هم قرار داشت: تصویر اول فارادی را نشان می داد که مشغول آزمایش الکترولیز بود و گروهی از دانش آموزان، معلمان و مردم عادی کوچه و بازار روبروی او ایستاده و نشستہ بودند و به مشاهده و همچنین مشارکت در کارهای فارادی مشغول بودند. این تصویر مربوط به سال ۱۸۲۱ بود که بر نامه آخر هر هفته را نشان می داد. تصویر دوم مربوط به سال ۱۹۵۶ یعنی ۱۳۵ سال بعد بود. این تصویر دوروتی هاوکین بلورشناس انگلیسی را نشان می داد که ساختمان ویتامین ب-۱۲ را کشف کرده بود و چگونگی ساختمان آن را با استفاده از دستگاه پرتو نگاری اشعه ایکس شرح می داد. در زیر نویس این تصویر شرح داده بود که

در این کتاب فارادی را کودکی، جوانی و حتی کهنسالی به ترتیب معرفی می کرد که یک لحظه از یاد گرفتن و یاد دادن غافل نبود. زمانی که در ۱۴ سالگی شاگرد صحافی کتابفروشی جورج ریبو بود هر کتابی را برای صحافی یا برای چاپ به او تحویل می دادند تا آن را بخواند و یادداشت برداری نکند و دیگران را در آموخته های خود شریک نکنند دست از آن بر نمی داشت (۱۸۰۵). زمانی هم که در آزمایشگاه سلطنتی پذیرفته شد گرچه به عنوان نظافتچی به کار پرداخت اما با سرعت توانست هم ی رمز و رازهای آزمایشگری را فراگیرد و به آزمایشهای ابتکاری دست بزند و سرانجام قانون القای الکترومغناطیسی را کشف کند. زمانی هم که رئیس انجمن سلطنتی انگلستان شد دست از یاد گرفتن و یاد دادن برنداشت و توانست خاصیت دیا مغناطیسی را کشف کند و رابطه میان

آنچه فارادی به طور هفتگی در آزمایشگاه کوچک و محدود خود شروع کرد، مداومت یافت و اکنون با بهره گیری از امکانات رادیو و تلویزیون در سطح بسیار گسترده انجام میشود و مداومت دارد.

\*\*\*

در سال تحصیلی ۶۳-۱۳۶۲ که در مرکز تیزهوشان علامه حلی فیزیک درس می دادم برای نخستین بار آقای حازم فریبور را دیدم. ایشان در آن موقع در دانشگاه تحصیل می کرد. اما مرکز تیزهوشان را رها نکرده و رابطه خود را با مدرسه و معلم و شاگردان همچنان حفظ کرده بود، فعالیت تدریس و آزمایشگاه داشت و همزمان آن چه را در دانشگاه میآموخت به دانش آموزان منتقل می کرد. در مدرسه نمایشگاه و سمینار و مجلس سخنرانی تشکیل می داد و دانش آموزان و معلمان را به شرکت فعال در آن فعالیتهای علمی و عملی تشویق میکرد و برمیانگیخت. اکنون از آن زمان حدود سی سال می گذرد. در این مدت بارها در حضور حازم بوده ام. با امیدهایش، با رنجهایش، با تلاشهایش آشنا و شریک بوده ام. حازم فریبور برای جامعه ما یک فارادی است. او هر آنچه در توان دارد برای گسترش و ترویج علم در کشور به کار گرفته است. عشق او آبادی ایران و خدمت به جامعه ایرانی است. حازم را هر جا و هر زمان دیده ام بر امیدم افزوده است او با نگاهش، زبانش، عملش پویایی و صداقت را القاء و منتقل می کند. برایش همواره یک چیز روشن است و آن وظیفه و تکلیف انسانی اوست. او کار کردن و خدمت کردن را حق مسلم خود می دانند و هیچ توقعی برای خود ندارد. حازم به تواناییهای خود آگاه است. می داند که فرزندان ایران زمین استعداد یاد گرفتن، اندیشیدن و ساختن را دارند، از این رو می کوشد هر آنچه در توان دارد برای شکفتن این استعدادها به کار گیرد تا ایران در جایگاهی که سزاوار آن است قرار گیرد.

حازم را نباید در یک آزمایشگاه کوچک، در یک زیرزمین ایستگاه مترو و حتی در یک مؤسسه بزرگ علمی محدود کرد. قلمروی فعالیت او می تواند همه مدارس کشور، پژوهشگاهها و دانشگاهها و همه کوشندگان راه آبادانی و توسعه پایدار ایران باشد تا صدای رسای خود را به گوش همگان برساند و بر بیداری و کوشندگی آنها بیفزاید.